[illegible]

کار نیکه بود کن تو ز اوّل ابتدا | بحوالله | یا رب بفضل خویش رسانش بانتها

کراچی بندر به مطبع خورشید مفرّح القلوب

هر سبزه که از زمین برآید | اعظم | بر وحدت تو زبان کشاید

نمبر ۴۵ | مطبوعه ۱۱ ذی الحجه سنه ۱۲۸۲ مطابق ۲۷ اپریل سنه ۱۸۶۶ع | جلد ۱۰

[illegible]

نقشجات تنخواه

در این مطبع نقشه از برای درد تنخواه یعنی مخصوص تقسیم
مواجب بابت ماهیانه تاریخ از ۳۱ یوم و
۳۰ یوم و ۲۹ یوم باشند بنابر فروخت
موجود هستند هر کس را شوق آن باشد
مواز ۵ عدد قیمت آن فرستاده هر سه
نقشه را طلب فرماید و اگر کسی از بیرون
طلب شده باشد یک آنه علاوه از عدد بابت
محصول ڈاک عطا فرموده باشند که از اینجا
برسنده : راقم العبد یوسف سید محمد بخش
ارسال داشته خواهد شد ❊

غزل فارسی

من نتایج طبع رسا و ذهن ذکا جناب میرزا
محمد اکبر علی خان صاحب سیستانی سلطانی نجم
التخلص - خادر عهده دار سرشته پولیس
در بستی شهر لاهور ❊

هر گه حدیث عشق بیان کرده ایم ما
ناگفته حرف قطع زبان کرده ایم ما

خون هزار توبه بگردن گرفته ایم
تا می حلال در رمضان کرده ایم ما

پوشید چشم هر که شنید از کلام ما
مشق سخن بخوب گران کرده ایم

سوز غم فراق تو در دل نهاده ایم
آتش بآبگینه پنهان کرده ایم ما
صد ناوک جفا بدل اندر شکسته ایم
تا جوی خون ز دیده روان کرده ایم ما
جان بند ناوک نگه ناز کرده ایم
دل را فدای نوک سنان کرده ایم ما
فارغ ز بیم شحنه و تنبیه محتسب
بیعت بدست پیر مغان کرده ایم ما
چشم سپهر خیره شد از اوج بخت ما
سرها بنوک نیزه روان کرده ایم ما
نقد وفا بجنس جفا کس نمیدهد
نقصان سود و نفع زیان کرده ایم
درمان ز دست دوست نیاید بجان تنگ
دشوار کار خود بفغان کرده ایم ما
نشنیده ایم گفته واعظ بهیچ گاه
ساقی هر آنچه گفت همان کرده ایم ما
زهد هزار ساله بیک جام داده ایم
خود را سبک برطل گران کرده ایم ما
خاور بهر مصلحت کارهای خویش
با بخت پیر و عقل جوان کرده ایم ما

انتخاب اخبارات

کان نقره

در اخبار سنترل تایمس مرقوم است که در نیولا بقرب وجوار دریای نربده در عین برآوردن راه ریلوی کان نقره و سرب برآمده است و صاحب مهتمم سرک مذکوره اطلاعش بگورنمنت فرستاده اجازت برآوردنش خواسته است + جام جهان نما

میرتهه

معلوم هست که از تالاب موقوعه سورج کند بین محلات شهر میرتهه نعش زنی هندوستانی برآمد شد سرش از تن جدا بود اغلب که کسی سنگدل بیرحم او را بلاک ساخته لهذا از سررشته پولس یکصد روپیه انعام برای گرفتاری قاتل مشتهر شده است مگر تا حال از جائی سراغش یافته نشده یقین است که بسعی و کوشش اهالیان پولس مجرم جلد گرفتار گردیده بسزای کیفر کردار خود خواهد رسید + منه

جیپور

آنچه سابق ازین مشهور بود که درینجا یک سررشته بندوبست مقرر خواهد شد اکنون بوضوح پیوسته که سررشته مذکور مقرر گشت و قریب سی کس هندوستانیان

دران سررشته نمو زیافته بکار پیمایش
حروف بسته شد + منه

بریلی

چندروز قبل ازین انجمنه یک جلسه نمایش
اشیاء زراعت بمقام بریلی منعقد شده
بود دران جلسه مضمونی مخصوص تربیت
و تعلیم نسوان نیز پیش گردید و جناب
معلے القاب نواب صاحب بهادر والی رامپور
که دران جلسه رونق افروز بودند مضمون
مذکوره را خیلے پسندیدند و در تمام قلمرو
خود مدارس بجهت تعلیم دختران مقرر
فرمودند و نیز اشتهاری بدین مضمون جاری
نمودند که هرکه دران مدارس برای تعلیم
یافتن حاضر خواهد شد باو چیزی بطور
وظیفه نیز مرحمت خواهد شد یقین است
که دیگر روساء هندوستانی هم مثل نواب
صاحب ممدوح بر تابعهای شان مدارس
چنین طور مقرر خواهند فرمود که ازان
رعایا برایا فیض یاب شده و از دولت
[illegible] مالا مال گردیده بدعای ترقی دولت
والی ملک خود مشغول باشند + منه

حیدرآباد دکن

از تحریرات اشرف بوضوح پیوست
که از عرصه یک ماه زیاده میگذرد که قسمی
بخار نهایت دشوار و مهلک دران مقام
شایع گردیده است بیرون از شهر
بازاری بنام مصری گنج مشهور است
و درو آبادی صرف پنج یا شش صد
مردم خواهد بود ازان دو صد مردمان
بدین عارضه راهی ملک بقا شدند و در
محله نانک شاهی که دران قوم سکه حیدرآبادی
میباشند اینقدر مرگ افتاد که مردمان دل
از خانمان برداشته راه فرار پیش
گرفتند و حالا آن محله بالکل ویران
می نماید - میگویند که اول مریض این
مرض را چند اسهال میشوند و بعده
ناگاه بخار حمله می آرد و در طرفة العین
ملک حیات مردم را بتاراج میبرد عقل
حکما و ڈاکتران درینجا بیکار است خداتعالی
بر بندگان ضعیف البنیان خود رحم فرماید

تجارت پنبه

در اخبار میرٹهه گزٹ نمبر ۱۴ بحواله اخبار
دهلی گزٹ مورخه ۳ - اپریل مرقوم است
که در ماه فروری سنه حال هر قدر پنبه که از
شهر بمبی روانه انگلستان گردیده وزنش
چهار کرور هشتاد و سه لک و شصت و شش

هزار و سه صد و چهار پوند بود یک پوند
بوزن نصف آثار میباشد و قیمت این
پنبه مبلغ دو کرور و سی و نه لک و دو
هزار و دو صد و شصت و هشت روپیه بود
اکنون غور باید کرد که در عملداری سرکار
چقدر تجارت رو بترقی دارد که در عرصه
یکماه از زنگ شهر اسپیفند پنبه بدیگر ملک
روانه گردید — و بندر لیورپول

از دار السلطنت لندن منکشف گشت
که از طرف امریکا در یک هفته ۱۷ لک گانته ها
پنبه در انگلستان رسیده اند و سیزده ۱۳ لک و
پنجاه هزار گانته عنقریب خواهند رسید +

کلکته

از اخبار مفصلات لایح گشت که کل رقبه زمین
که بران شهر کلکته آباد است بتعداد ۳۰۲۷
بیگهه پخته میباشد دیگر شمار کوچه و مکانات
و مردمان سکنه آنجا بتفصیل ذیل است

تعداد کوچه ها و برزنها	۳۳۸
تعداد مکانات پخته	۱۵۹۷۶
مکانات خام	۲۲۹۱۷
انگریز ولایت زا	۱۱۰۹۷
انگریز هند زا وغیره	۱۰۹۵۰
مردم یونان	۲۳
ارمنی	۷۲۲
مردمان دیگر ممالک ایشیا	۱۴۴۳
یهودی	۵۴۳
پارسی	۱۱۳
حبشی	۲۷
چینی	۴۰۵۱
مسلمان	۱۳۳۶۵
هندو	۲۳۹۳۹۰

این شهر قبل از عملداری سرکار انگریزی
مقام گمنام بود صاحبان انگریز این را
آباد نموده + ایضاً

تعداد فوج

در اخبار عالم افروز از اخبار دهلی گزت مسطور
است که کل تعداد فوج سرکار انگریزی
که در انگلستان و هندوستان وغیره بلاد
تعینات است تا یکم ماه جنوری سنه ۶۲ تعداد آن
۱۳۸۱۱۷ بود و خرچ سالانه که از سرکار
داده میشود ۱۴ کرور ۹ لک و ۵۰ هزار روپیه
میباشد +

افغانستان

در اخبار مفصلات مرقوم است که راه کابل
بدانتظامی بسته و هیئت و کابل بقبضه
سردار اعظم خان و قلعه غزنین بتصرف

میر شیر علیخان بیبا شند و از قندهار بسیار
فوج و فرنگی رسیده است + منزوی

بیگم صاحبه بهوپال

صاحب مهتم اخبار عالم بحواله تحریر دوستی رپ
ارقام میفرمایند که درینولا جناب نواب سکندر
بیگم صاحبه والی ریاست بهوپال بنام جمیع اعزا
و ملازمین و توابعین خود حکم صادر فرموده است
که آینده هیچکس هیچکدام اخبار اردو خواه فارسی
یا انگریزی را در قلمروی ما نخرد و نخواند چنانچه
بموجب الحاق هیچکدام اخبار درینجا خریده
نمیشود - کیفیت اینمعنی را جناب مهتم اخبار
موصوفه بدینگونه بطور خلاصه درج میفرمایند
که جناب منشی نولکشور صاحب مهتم اوده اخبار
اکثر اوقات حالات اعزاز و اکرام مسمی
بنده کهتنک یعنی رقاص که از سرکار بیگم صاحبه
نسبت او مرعی هستند در صحیفه خود تحریر
میفرمودند بیگم صاحبه ازین امر ناراض
شده اینچنین حکم صادر نمودند حالانکه اگر
خاص از برای خریداری اوده اخبار ممانعت
میشد مضایقه نبود و مخصوص خریدن کل
اخبارات ممانعت کردن خلاف رای صائب
است بلکه بهتر این بود که بجناب مهتم اوده
اخبار در باب نوشتن اینچنین تحریرات
بطرز مناسب تحریک میفرمودید تا نسبت
کهتنک مذکور مراعات را موقوف کرده دیگر
تا که آن حالات درج اخبار نگشتند الحال
که این حکم امتناع خریداری اخبارات صادر
فرموده اند ازین معلوم میشود که صاحب
مهتم اوده اخبار از سابق الحال زیاده تر
اینچنین مضامین و حالات نسبت بیگم صاحبه
بمزید شرح و بسط در اخبار سفته ارقام
خواهند فرمود و دیگر اخبار نویسان نیز
آن مضامین را در اخبارات خود خواهند
نوشت و یقین است که آینده بسیار
صفحه ها درینباب تحریر خواهند شد و آن
اینچنین مضامین هستند که سراسر بدنامی
و نقصان بیگم صاحبه از آن متصور است
و نالش اینچنین مضامین بحضور سوپریم
گورنمنت یا صاحب ایجنت گورنر جنرل
یا در کدام دیگر عدالت شدن نمیتواند چونکه
راقم اخبار عالم در جناب سرکار بیگم صاحبه همیشه
نیاز ملازمت دارد لهذا بنظر عقیدت و
هواخواهی مینویسد که ارکان ریاست
بهوپال را مناسب است که انسداد این
قسم تحریر بطور معقول تجویز فرمایند +

مفرح القلوب ما را از ملاحظه کیفیت

مندرجه بالا خیلی عجب می آید که جناب بیگم صاحبه
بکدام دانائی و فراست در ریاست خود حکم در باب
امتناع خریداری اخبارات صادر فرموده اند
اگر اجرای این حکم باین خیال است که شاید
پرورش مهتممان اخبار و ترقی اخبارات
اوشان محض از سبب آمدن اخبارات
اینجا در ریاست بیگم صاحبه متصور است
پس این گمان بالکل خلاف عقل است چه
در تمام قلمرو بیگم صاحبه بیشتر از پانزده یا
بیست نفر خریداران اخبار نخواهند بود واگر
اینقدر اخبارات در الملک نرفتند چه شد
واگر باین خیال است که شاید اخبار نویسان
از رنجیدگی خاطر ما مطلع گشته بعد ازین
احوالات ما را در اخبارات خود جا نخواهند
داد اینهم غیر ممکن دا اخبار نویسان را از
رنجیدگی اوشان پروا نه اول محض صاحب
مهتمم اوده اخبار کیفیت بیگم صاحبه و بندها
کهتنگ را در اخبار خود مینوشتند و کیفیت
مذکوره را از منجمله دیگر اخبار نویسان کسی در
اخبار خود نقل میکرد و کسی نمیکرد مگر الحال
که بیگم صاحبه اینچنین حکم نافذ فرموده اند
هریک اخبار نویس اینحکم را حکم جدید و نادر تصور
نموده ضرور در اخبار خود درج خواهد کرد

هرگاه این حکم را درج ساخت پس ضرور کیفیت بندها
کهتنگ نیز معه نام نامی و اسم گرامی جناب
بیگم صاحبه بنظر اظهار وجه صدور حکم قصد
درج اخبار خواهد نمود پس اول که صرف
در اوده اخبار این کیفیت مرقوم میشد
الحال در هر اخبار اندراج یافته در تمام عالم
مشهور و معروف خواهد شد پس از اجرای
اینحکم بجناب بیگم صاحبه چه فائده حاصل شد
اینمعنی بخیال ما نمی آید مگر البته اینقدر معلوم
میشود که جناب بیگم صاحبه را خاطرداری
کهتنگ مذکور خیلی منظور است که محض بخاطر
عزیز او نسبت اخبار نویسان که راست گویان
و درست نویسان جهان هستند بیگم صاحبه
را گونه ملال در دل خجسته منزل راه یافته
پس ما الحال از برادران وقایع نگاران
سوال میکنیم که ای حضرات رسائی تحریر شما
در سرکار بیگم صاحبه موصوفه زیاده تر است
یا رسائی بندها کهتنگ — خداوند تعالی
سرکار ابد قرار انگلشیه را همیشه سلامت
دارد که بدل و جان قدردانی اخبار نویسان
میفرمایند و اوشان را برای نوشتن هرگونه
احوال اختیار مطلق داده اند تا که هرچه اوشان
به بینند و بشنوند از ان عوام مطلع گردانند

و فی الحقیقت این دستور اخبار نویسی که در
عملداری سرکار برطانیه رائج است موجب
انواع انواع صلاح و فلاح جهان و جهانیان
میباشد چرا که کسی عیب خود را خود نمی فهمد
تا که کسی دیگر او را ازان آگاه نکند اکثر
اوقات دیده شده و در اخبارات نوشته
یافته که هرگاه کدام اخبار نویس کدامی خبر
بے انصافی یا جبر یا غفلت در سرکار یا رعایا
بنسبت کدام افسر انگریزی درج اخبار میکند
و او آن را در اخبار می بیند فوراً ازان
عادت خود اجتناب میورزد نه اینکه مثل
بیگم صاحبه ناراض گشته حکم امتناع خریدن
و خواندن اخبارات بنام توابعین خود
صادر مینماید سبحان الله ع ببین تفاوت
ره از کجا است تا بکجا +

ریاست میسور

این قول حکما و عقلا راست است که فرموده اند
ع خدا پنج انگشت یکسان نکرد + و نیز گفته
اند که ع عقل هر کس بقدر همت اوست +
تشریح این مقال بدینمنوال است که ناظرین اخبار
را از ملاحظه خبر مندرجه بالا واضح و لائح
شده باشد که جناب نواب سکندر بیگم صاحبه
والی ریاست بهوپال بخاطر یک کس رذیل الحرفه
سببی سندها لهتک در تمام قلمرو خود در باره
خریدن و خواندن اخبارات که باعث
ترقی علم و موجب آگهی احوالات هر دیار و
امصار از مطالعه آنها متصور است
حکم ممانعت صادر فرموده اند مگر الحمد لله
که در دیگر ریاست ها بخلاف آن ظهور پذیر است
یعنی درینوقت که اخبار گهر بار کانپور گزت
در همطبع رسید از ملاحظه اش بوضوح
انجامید که در ریاست میسور بحسن سعی
و خیر اندیشی والی ریاست موصوفه ترقی
خواهش علم رو بافزایش دارد و فی الحال
یک مکان وسیع در انجا تعمیر میابد که
بنظر رفاه عوام الناس دران مکان
کتب علمیه داشته خواهند شد و نیز یک
اخبار موسوم به میسور گزت عنقریب
در انجا جاری خواهد شد اللهم زد فزد +

بهاولپور

ع شمشیر نیک ز آهن بد چون کند کسی +
ناکس بتربیت نشود ای حکیم کس + قبل ازین
در اخبار هذا خبر گرفتاری معتمد نمکحرام شریک
گروه معتمد آن مسمی غلام محمد جاکی درج شده
است الحال از اخبار کوه نور مدرک گشت
که مولوی نصیر الدین اہلکار کسش نیز شکنجه

بسیر دور آمده — رقم اخبار مفرح القلوب

این شخص یعنی مولوی مذکور را از مدت دراز

میشناسم این کس اصلی باشندهٔ علاقهٔ ریاست

بہاولپور ست و چندسال بیشتر ازین

در شہر ملتان یک اخبار موسومه شعاع شمس را

بقبضهٔ اخبار ریاض نور ملتان که بحسن

اہتمام مجسته فرجام جناب محمد مهدی حسین خان

صاحب افسر متوطن لکھنو مالک و مہتمم

مطبع ریاض نور حلیهٔ انطباع میپوشید

جاری کرده بود و جناب مہتمم صاحب موصوف

اکثر اوقات بوصف مولوی مذکور قصاید

در اخبار خود درج میفرمودند چنانچه یک

قصیده که منجمله قصاید مذکوره در انزمان

بنظر راقم گذشته بود مطلع آنش براقم یاد

است که از برای ملاحظهٔ ناظرین درج ذیل

کرده میشود و آن اینست + مطلع

اک عمر ہوئی مشرق و مغرب میں ہے یہ شہرا — کیں میں نے شناسا ہیں

پر حضرت شیدا کو ملتا نہیں دیکھا — انسان کی صورت میں

چنانچه چندمدت اخبار شعاع شمس باہتمام مولوی

مذکور جاری بود آخر مولوی مزبور بقول این مصرعه

حضرت افسر که ع ہم چند گے ہیں رندہ

رندوں سے رکھ رہے چل — پہت جیا بیچی پشت +

این مصرعه ہم منجمله مصاریع قصیده مذکور ست

در خود تاب مقابلهٔ شیر بیشه ہند ندیده اخبار

خود را بند نمود و مدتی بیکار بوده بلکه ہم

حیله و فریب خود را در دربار دار الریاست بہاولپور

رسانیده وباوضاع ظاہری خود که ہمیشه با عمامه

زُہد تا بر سر و تسبیح بیریا در دست میدارد رفته

رفته اعتباری حاصل کرده بعد از موقوفی منشی

محمد حسن مخدوج بعهده میر منشی گری ریاست موصوفه

ممتاز شد مگر از انجا که گفته اند ع نان گندم را

شکم باید که فولادی بود + مولوی مذکور بحز در عهده

صدر ہوا نخوت در سر پیچیده بمقابله آقای نامدار

آماده بغاوت گردیده که آخر بمضمون مصرعه ہندی ع

بیہ کبر کا بدل ہے سزا ہیہ جفا کی ہے + در پنجه

خیرخواہان ریاست موصوفه گرفتار گردید و عنقریب

بکیفر کردار خود خواہد رسید یعنی ع عاقبت

گرگ زاده گرگ شود + گرچه با آدمی بزرگ شود +

مسموع است که الحال کاروبار ریاست مذکوره بصلاح

و صوابدید جناب نظام خان صاحب وزیر ریاست و

منشی محمد بخش صاحب بہادر بخوبی می آیند +

کراچی

اخبار بنداد مطبع مفرح القلوب کراچی منجانب جناب منشی مرزا

مخلص علی حیدر صاحب مالک مطبع مذکور و مطبع مطلع خورشید باہتمام مرزا محمد شفیع ...